

در ۶ فوریه ۱۹۵۸
چه بر سر جهان فوتبال آمد؟
داستان وفاداری
پس از سقوط



۸

بررسی همه گمانه‌زنی‌ها
در باب فاجعه سقوط هواپیمای
اوکراینی (بخش نخست)



۳

رهبرانقلاب:
هر کسی به ایران علاقمند
است. باید در انتخابات
شرکت کند



۲

رسانه مستقل

دنیای سه‌وا دار

www.donyayehavadar.ir

پنج‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۸ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان

۴۱۹

در نشست خبری فیلم «مغز استخوان» چه گذشت؟

حمیدرضا قربانی: با اصغر فرهادی

در نگارش فیلمنامه

همکاری نداشتیم!

در نشست خبری فیلم «روز بلا» چه گذشت؟

بهروز شعبانی: برای بازگرداندن

عدالت به خودمان باید بلوای

درونی در ما شکل بگیرد!

یادداشتی بر فیلم روز بلا اثر بهروز شعبانی:

شعار می‌دهم پس هستیم!

یادداشت‌هایی بر فیلم مغز استخوان اثر حمیدرضا قربانی:

قابل بحث و گرم فقط در نیمه اول

موفق‌ت‌الب خط پایان

در نشست خبری فیلم «خوب، بد، جلف! ارتش سری» چه گذشت؟

پیمان قاسم‌خانی: ۶۷ دقیقه از خوب بد جلف ۲ را کوتاه کردیم

پیشرفت تکنیکی در کارگردانی رامدیون محسن چگینی هستیم



دولت

روحانی:

انقلاب بزرگ ما بر مبنای آگاهی مردم و روشننگری بود

رئیس جمهوری در آیین پایانی جایزه کتاب سال، گفت: انقلاب بزرگ ما که این روزها، برای چهل و یکمین بار به استقبال آن می‌رویم، بر مبنای آگاهی مردم و در اثر کتابت، کتاب و روشننگری بود.

حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی عصر گذشته در آیین پایانی سی‌وهفتمین جایزه کتاب سال و بیست و هفتمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در تالار وحدت، گفت: بسیار خوشحالم در ایام مبارک دهه فجر انقلاب اسلامی در جمع فرهیختگان، اندیشمندان، نویسندگان و اهل قلم حضور دارم. تردیدی نداریم رشد و افتخار امروز، آینده و دیروز ما هم در سایه علم، دانش و اندیشه است و ماندگاری آن در سایه کتابت و کتاب است. وی ادامه داد: هدف از همه اینها، آن است که پیشروی جامعه و انسان‌ها، ما مسیر را برای مردم روشن کنیم. این نکته مهمی است که رساله و وظیفه ما تا کجاست و مردم ما تا چه حد، اختیار و حقوق آن را دارند که مسیری را انتخاب کنند.

رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان اینکه ولایت خداوند برای آن است که مردم را از تاریکی‌ها رها کند و نور و روشنایی را در مسیر مردم قرار دهد، گفت: خداوند می‌گوید من می‌خواهم مسیر را روشن کنم و شما باید انتخاب کنید. انتخابگر بودن بسیار اهمیت دارد. یکی از مشکلات امروز جامعه این است که برخی فکر می‌کنند، بالاتر از نور وظیفه دیگری هم برعهده ماست.

روحانی با بیان اینکه انتخاب بر عهده مردم است، تصریح کرد: اینکه بپذیرند یا نپذیرند بر عهده مردم است اما باید مسیر را روشن کنیم و نگذاریم که تاریکی‌ها بماند. همه هدایای الهی برای روشن شدن مسیر است تا مردم راحت‌تر انتخاب کنند. انقلاب بزرگ ما که این روزها، برای چهل و یکمین بار به استقبال آن می‌رویم، بر مبنای آگاهی مردم و در اثر کتابت و کتاب و روشننگری بود.

رئیس سازمان غذا و دارو: سنگ اندازی آمریکا علیه واردات دارو به ایران ادامه دارد

رئیس سازمان غذا و دارو گفت: سنگ اندازی آمریکا برای واردات دارو به ایران ادامه دارد اما اخیراً برای آزادسازی پول ایران برای خرید دارو که ماهها در بانک اروپایی مانده بود تبلیغات به راه انداخته اند.

محمدرضا شانه ساز روز گذشته در سومین کنگره بین المللی داروسازی نوین در مرکز همایش های رازی افزود: میزان اندک داروهایی که اخیراً به ایران وارد شد ماهها پیش خریداری شده بود و واقعا غربی ها خجالت نمی کشند که هم به دروغ می گویند دارو تحریم نیست و هم برای اجازه واردات داروهایی که ماهها پیش پول آن پرداخت شده بود سر و صدا می کنند. وی گفت: ایران در تولید ۹۷ درصد داروهای مورد نیاز بیماران خود کفا است، در حوزه تولید مواد اولیه هم گر چه دیر و از دو دهه پیش شروع کرده ایم اما به سرعت در مسیر خود کفایی حرکت می کنیم. شانه ساز ادامه داد: توان تولید هر دارویی را در کشور داریم. سه درصد داروهای وارداتی یا داروهای جدیدی هستند که در سالهای اخیر در دنیا تولید شده یا تولید آنها به علت جمعیت کم بیمار توجیه اقتصادی ندارد.

وی گفت: کشورهای چین و هند که مواد اولیه از آنها وارد می کنیم به همه دنیا مواد اولیه صادر می کنند، ایران این مواد اولیه به داروهای با ارزش و حیات بخش تبدیل می کند در حالی کشورهای زیادی هستند که فقط واردکننده دارو هستند و تولید داروی آنها صفر است.

خبر اول

رهبرانقلاب:

هر کسی به ایران علاقمند است، باید در انتخابات شرکت کند



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز - چهارشنبه در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم، راهپیمایی ۲۲ بهمن و انتخابات مجلس شورای اسلامی را دو آزمون بزرگ ملت ایران خواندند و با تبیین خصوصیات نامزدهای شایسته مجلس، حضور پر شور و آگاهانه همه مردم در انتخابات ۲ اسفند را در حل مشکلات داخلی و بین المللی مؤثر برشمردند و تأکید کردند: هر کس ایران عزیز، امنیت میهن و آبروی وطن را دوست دارد و در پی حل مشکلات است، باید در پای صندوق رأی حضور یابد تا عزم و اقتدار ملی ایرانیان بار دیگر به منصفه ظهور پرسد.

راه مقابله با معامله قرن ایستادگی و جهاد شجاعانه است

ایشان همچنین طرح امریکا موسوم به معامله قرن را طرحی احمقانه، خبیثانه و شکست خورده خواندند و افزودند: راه مقابله با این طرح، ایستادگی و جهاد شجاعانه ملت و گروه‌های فلسطینی و حمایت جهان اسلام است و علاج اساسی مسأله فلسطین نیز روی کار آمدن نظام مورد نظر و منتخب همه مردم فلسطینی الاصل در یک نظر خواهی عمومی است.

رهبر انقلاب اسلامی ایام دهه فجر را برای کشور ایامی بی‌بدیل و مظهر اقتدار و عزم ملی دانستند و گفتند: ملت ایران در دهه فجر توانست با عزم راسخ خود و بارهبری امام بزرگوار که رهبری بی‌نظیر در دنیا بود، بنای پوسیده و فاسد چند هزار ساله استبداد، ظلم، فساد، سلطه بیگانگان و لگدمال شدن مردم را واژگون و بنای مردم سالاری را به جای آن پایه ریزی کند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای برگزاری انتخابات مختلف از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون را نشان دهنده استواری نظام اسلامی بر رأی مردم دانستند و افزودند: البته نظام اسلامی علاوه بر مردمی بودن، دینی نیز هست و بر همین اساس مردم سالاری در ایران («مردم سالاری اسلامی») است.

ایشان پرورش افرادی همچون شهید سلیمانی، رزمندگان دفاع مقدس، مدافعان حرم و روحیه قوی و ایستادگی خانواده های شهدا را از آثار نظام دینی برشمردند و خاطر نشان کردند: از جمله ویژگی‌های بارز شهید سلیمانی، تعهد

حضرت آیت الله خامنه‌ای

انتخابات را از بعد کلی،

اساسی ترین مسئله کشور

دانستند و افزودند: اقتصاد،

فرهنگ، پیشرفت علمی و

مسائلی از این قبیل بسیار مهم

است اما اساس همه این مسائل

انتخابات است چرا که اگر

انتخابی عمومی، قوی و درست

انجام شود، همه مشکلات

به تدریج حل خواهد شد.

و ایمان بود و اصولاً هنگامی که ایمان با عمل صالح و روحیه جهادی همراه می شود، شخصیتی همچون سردار سلیمانی شکل می‌گیرد که حتی دشمنان مجبور به تحسین و بزرگی‌های شخصیتی او می‌شوند. رهبر انقلاب اسلامی در ادامه با اشاره به در پیش بودن راهپیمایی سراسری ۲۲ بهمن، گفتند: ملت ایران در چهل سال گذشته و با وجود سرما و یخبندان با حضور پر شکوه در راهپیمایی ۲۲ بهمن، اجتماع عظیم خود را به رخ جهانیان کشیده است که من با همه وجود از ملت ایران تشکر می‌کنم.

شرکت انبوه مردم در انتخابات مجلس ضروری است

حضرت آیت الله خامنه‌ای همزمانی ۲۲ بهمن امسال با ایام چهلم شهید سردار سلیمانی را زمینه‌ساز انگیزه مضاعف مردم دانستند و تأکید کردند: ان‌شاءالله ملت ایران با حضور عظیم خود در راهپیمایی ۲۲ بهمن، ضربه کوبنده‌ای بر سیاست‌های دشمن وارد خواهد کرد.

ایشان در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوم اسفند، انتخابات را برای کشور و ملت، فرصتی بسیار بزرگ و برای دشمنان تهدید خواندند و افزودند: برگزاری پر شور انتخابات و حضور همگانی مردم در پای صندوق های رأی، تضمین کننده امنیت کشور خواهد بود زیرا دشمنان از پشتوانه مردمی نظام بیش از امکانات تسلیحاتی آن هراس دارند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای انتخابات را نشان دهنده «عظمت، اقتدار و بصیرت ملی» دانستند و افزودند: در کشور مشکلات و گرفتاری هایی وجود دارد که برخی ناشی از تحریم‌ها، و علت برخی هم کم کاری‌ها است اما با وجود این مشکلات، مردم به دلیل آنکه در انتخابات موضوع آبروی نظام و امنیت کشور

در میان است، به میدان خواهند آمد. ایشان انتخابات را در حل مشکلات بین المللی نیز مهم خواندند و خاطر نشان کردند: در قضاوت ناظران بین المللی نسبت به هر کشور، مسائلی نظیر میزان حضور مردم در انتخابات و چگونگی روی کار آمدن مسئولان و نهادهایی نظیر مجلس، تأثیر گذار است، بنابراین شرکت انبوه مردم در انتخابات مجلس از این زاویه نیز کاملاً ضروری است.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس را فرصتی برای ورود افکار جدید و راههای نو در چرخه تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور برشمردند و افزودند: بخصوص هنگامی که مردم افراد شایسته را برگزینند، راههای تازه و چاره اندیشی های جدید در روند حل مشکلات کشور و مردم پدیدار می شود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای انتخابات را از بُعد کلی، اساسی ترین مسأله کشور دانستند و افزودند: اقتصاد، فرهنگ، پیشرفت علمی و مسائلی از این قبیل بسیار مهم است اما اساس همه این مسائل انتخابات است چرا که اگر انتخابی عمومی، قوی و درست انجام شود، همه مشکلات به تدریج حل خواهد شد.

نیاید با حاشیه سازی و حرف های دلسرد کننده انتخابات را از رونق انداخت

ایشان با ابراز تأسف و انتقاد از برخی حرف‌های حاشیه ساز در زمینه انتخابات تأکید کردند: وقتی انتخابات از ابعاد مختلف دارای این همه اهمیت و تأثیر گذاری است، نباید با حاشیه سازی، سخنان گوناگون و حرفهای دلسرد کننده آن را از رونق انداخت.

حضرت آیت الله خامنه‌ای تلاش همیشگی دشمنان ایران برای خدشه دار جلوه دادن انتخابات را مسأله‌ای طبیعی خواندند و افزودند: وقتی برخی رسانه‌های خائن خارجی، جمعیت عظیم میلیونی ملت را چند هزار نفره

می‌خوانند اما تحرک چند صد نفر در خیابانها را به اسم ملت ایران جا می‌زنند، طبعاً مردم به این رسانه‌ها اعتماد نمی‌کنند البته به شرطی که از داخل به این رسانه‌ها مایه تبلیغات سوء داده نشود.

رهبر انقلاب تأکید کردند: گویندگانی که تریبون دارند یا به واسطه جایگاه خود می‌توانند در رسانه‌ها و فضای مجازی حرف بزنند، نباید جوری اظهار نظر کنند که دشمن با بزرگنمایی حرف آنها، برای دلسرد کردن مردم، خوراک گیرش بیاید.

ایشان انتخابات در ایران را جزو سالم‌ترین انتخابات در جهان خواندند و خطاب به افراد حاشیه‌ساز افزودند: وقتی شما به دروغ می‌گویید این انتخابات مهندسی شده و یا اینکه انتخابات نیست انتصابات است، مردم دلسرد می‌شوند.

رهبر انقلاب با ابراز تعجب از سخنان برخی که به وسیله انتخابات به جایی رسیده‌اند اما انتخابات را زیر سؤال می‌برند، گفتند: چگونه است که انتخابات وقتی به نفع شما است صحیح و متقن است اما وقتی به نفع شما نیست انتخابات خراب است.

جوری حرف نزنیم که مردم دلسرد شوند

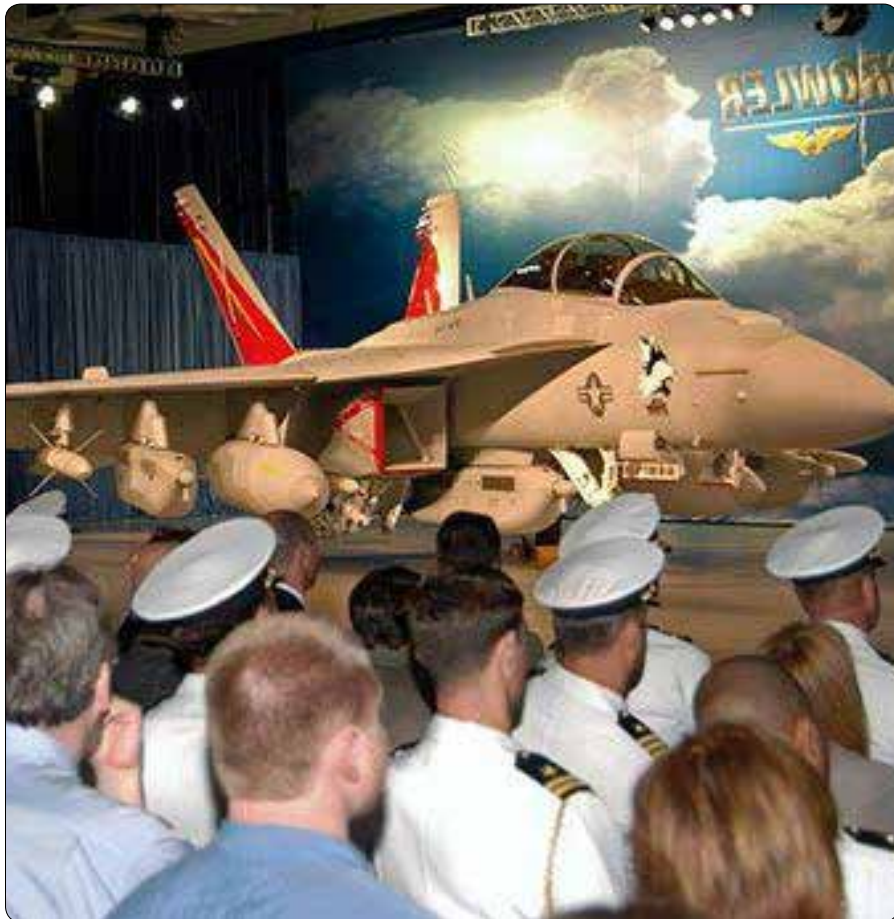
ایشان افزودند: در انتخابات مجلس بارها بعضی افراد نامه دادند که تقبل شده یا اشکال دارد، بنده نیز هیأت‌هایی تعیین کردم که با دقت رسیدگی کردند و بعد معلوم شد این گزارش‌ها و نامه‌ها درست نبوده است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای گفتند: از دشمن نمی‌شود گلایه کرد اما فلان نویسنده، مرتبطین با فضای مجازی، نماینده مجلس و فلان مسئول مهم دولتی باید مراقب باشند و اینجور نشود که بگوییم مردم شرکت کنید اما در عین حال، به غلط، جوری حرف نزنیم که مردم از حضور در انتخابات دلسرد شوند.

بررسی همه گمانه زنی هادر باب فاجعه سقوط هواپیمای اوکراینی (بخش نخست)



رضا توازی



۱- اولین ادعا و یا فرضیه، ادعای خطای انسانی است که به صورت رسمی بیان شده است

این ادعا به چند دلیل نمی تواند درست باشد. اول اینکه این هواپیما فرضاً با توپهای ضد هوایی و یا موشک اندازهای دوش پرتاب سرنگون نشده است که بتوان گفت به شکل سرخود و صرفاً با دید اپتیکی و بدون فرمان به خاطر مثلاً اختلال در فرماندهی سرنگون شده باشد (مثلاً سال ۶۶ هواپیمای جنگنده اف ۵ شناسایی حامل شهید بابایی با آتش اشتباه توپهای ۲۳ میلیمتری خودی بر فراز سردشت سرنگون شد؛ در آن زمان توپهای ۲۳ میلیمتری اصلاً جزئی از رینگ پدافندی کشور محسوب نمی شد، بلکه توسط یک پدافند بسیار پیشرفته دارای رادار هسته مرکزی که هر سه رادار کشف - تفکیک - درگیری را داراست سرنگون شده است. سیستم تور ام ۱ یکی از شاهکارهای صنعت پدافندی شوروی بوده که طی سالها در روسیه و برای مصاف با اهداف در ارتفاع پست و ضد کروز بهینه سازی شده است و می تواند بدون پشتیبانی رادارهای دیگر و صرفاً با اتکاء بر رادارهای خود با هواگردهای دشمن درگیر شود. اینکه این سامانه یک هواپیمای مسافربری را کروز تشخیص دهد غیر قابل قبول است به خصوص اینکه از ساعت ۱۲ نیمه شب حادثه که این سامانه مستقر شده بوده تا زمان شلیک به هواپیمای اوکراینی از همان مسیر پروازی که این هواپیما طی کرده است پروازهای دیگری هم انجام شده که این سامانه هیچکدام را دشمن تشخیص نداده و طبیعتاً به آن هم شلیک نکرده است. این راهم اضافه کنیم که اگر سامانه IFF یا تفکیک دوست از دشمن هواپیمای مسافربری مشکلی نداشته باشد اینک سامانه پدافندی بتواند روی آن قفل کند بسیار بعید و تقریباً غیرممکن است مگر با تمهیداتی خاص و عمدی که آن هم دلیلی برایش وجود نداشته است.

۲- فرضیه عمدی بودن شلیک به این هواپیما

این فرضیه را یک ژنرال مصری به نام سپهد محمد منصور، نایب رئیس پیشین سازمان اطلاعات و فرمانده گردان ۱۶۳ ارتش مصر بیان کرد؛ بدین

عنوان که: «پنتاگون برای مختل کردن سیستمهای راداری ایران و حمله به اهدافی در خاک این کشور از طریق حملات موشکی یا بمباران هوایی دو فروند هواپیمای آواکس (سیستم پیش خطر و کنترل هوایی/ رادارهای سه بعدی پرنده) را از پایگاه هایش در خاک عربستان سعودی و ترکیه به پرواز درمی آورد که بخشی از پوشش مورد نظر آمریکاییها را ایجاد می کنند، اما همچنان نقاط مرکزی ایران برای آمریکاییها نقطه کور محسوب می شدند و در پوشش کامل قرار نداشتند به همین دلیل آمریکا یک فروند هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ اوکراینی را مجهز به سیستمهای الکترونیکی جاسوسی می کند تا این مأموریت را انجام دهد و نقاط کور راداری ایران را شناسایی کند که این امر لو می رود و این هواپیما ساقط می شود.»

پرواضح است که این حرفها از منظر افرادی که آگاه بر امور جنگهای هوایی و جنگهای الکترونیک هستند، مشتکی یاره است و اساساً مکانیسم شناسایی نقاط مختلف راداری و پدافندی از سوی آمریکا اینگونه مسیری را طی نمی کند. آمریکا برای شناسایی رادارها و مراکز پدافندی دشمنان و جنگ الکترونیک از هواپیماهای دیگری چون آر سی ۱۳۵ ریوت جوینت و ای سی ۱۳۰ اچ کامپاس کال و یا جنگندههای اف ۱۸ گراولر... استفاده می کند و نیازی به این نوع رفتارها ندارد. البته در زمان جنگ سرد آمریکا برای عکس برداری از اهدافی خاص بر فراز شوروی، برخی هواپیماهای مسافربری را که از روی خاک شوروی رد می شدند به شکل مخفیانه به سامانههای عکس برداری مجهز می کرد (که در یک مورد به فاجعه انجامید و یک فروند هواپیمای مسافربری کره جنوبی در سال ۱۹۸۳ مورد اصابت یک موشک اناب که از سوی یک سوخوی ۱۵ شوروی شلیک شده بود قرار گرفت) اما امروزه که آمریکا تجهیزات بسیار زیاد الکترونیکی و جاسوسی اعم از ماهواره و پهپاد و هواپیماهای مختص جنگ الکترونیک و جاسوسی در اختیار دارد و نیازی به این کارها ندارد و این مسأله بسیار بعید است. البته فرضیات احمقانه دیگری هم برای عمدی بودن شلیک به این هواپیما گفته می شود که به خاطر احترام به شعور خوانندگان از مطرح

کردن آن اجتناب می کنیم.

۳- فرضیه جنگ الکترونیک و جیمینگ علیه سامانه پدافندی درگیر شده و پروژه بودن این سقوط با دخالت آمریکا

این فرضیه بسیار سروصدا کرد و آنچه باعث تقویت آن هم شد فیلمی بود که فردی در نهایت خونسردی و در حالی که سیگار می کشید درست ۲ ثانیه قبل از اصابت موشک به هواپیمای اوکراینی گرفته بود بدون اینکه کوچکترین رفلکس احساسی نشان دهد. با توجه به اینکه اولین کسی که این فیلم را انتشار داده بود یکی از کارکنان شبکه سعودی ایران اینترنشنال بود که آنرا به نیویورک تایمز داده بود و این شبکه هم آنرا تأیید کرده بود؛ این فرضیه به شدت قوت گرفته است که قطعاً این یک اتفاق نیست و افرادی در خارج از وقوع

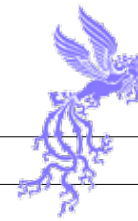
آن باخبر بودند و حتی فردی را ساعت ۵ صبح دقیقاً در زوایای که بتواند اصابت موشک به هواپیما را رصد کند، قرار داده بودند. البته بعدها برای ماستمالی کردن رفتار این فرد، گفته شد که ایشان از اصابت موشک دوم به هواپیما فیلم گرفته که مطمئناً دروغ محض است چون دومین شلیک باعث آتش گرفتن هواپیما شده بود (در فیلمهای دیگری که از سقوط هواپیما گرفته شده کاملاً آتش گرفتن هواپیما مشخص است) و این اصابت اولین موشک به موتور هواپیماست اما این فرضیه را چگونه می شود توضیح داد؟

مهمترین توضیحی که برای این فرضیه مطرح شد فرضیه جنگ الکترونیک و به طور اخص sutter بود. شاید بتوان سوتر sutter را مخوفترین تکنولوژی جنگ الکترونیک آمریکا در عرصه سرکوب پدافند دانست. تکنولوژی

که منحصرأ در دست آمریکا است و تنها احتمال می رود چیزی شبیه به آن را به اسرائیل داده باشند یا اسرائیل به دست آورده باشد، اما سوتر چیست؟ سوتر تکنولوژی است که در آن هواپیماهای ریوت جوینت آمریکایی از اطلاعاتی که از رادارهای کشور دشمن جمع آوری کرده اند استفاده می کنند و با یک رادارهای پدافندی ابتدا بر تصویری که از سوی مانیتور سامانه پدافندی وجود دارد چیره می شوند و سپس با فرستادن و پروس، اقدام به ایجاد اختلال در رادارها می کنند. این اختلال می تواند شامل پُر کردن ظرفیت رادار سامانه پدافندی یا پنهان کردن جنگندههای خودی و یا ایجاد اهداف کاذب و... باشد.

اما این فرضیه اشکالاتی دارد که در شماره آتی به ادامه مبحث و بیان اشکالات فرضیه و ذکر فرضیه چهارم می پردازیم.





یادداشت هایی بر فیلم مغز استخوان اثر حمیدرضا قربانی؛



۱.۵ از ۵

تازه ترین اثر حمیدرضا قربانی نسبت به فیلم قبلی اش قدم رو به جلویی برای او محسوب می شود، هر چند که کماکان در این فیلم هم با یک اثر غیر قابل منسجم به ویژه در یک سوم پایانی فیلم که به پایانی غیر قابل قانع کننده ای می رسد اما مغز استخوان ارزش تماشا و بحث کردن را دارد؛ به ویژه آن که در کنش و واکنش های شخصیت ها غیر کلیشه ای عمل می کند.

سوم پایانی و اساسا پایان بندی را به یکباره رها کنی نمی شود پایان باز یا ادا و اطوارهایی اینچنینی! فیلم اما یک بابک حمیدیان و پریناز ایزدیار خوب دارد که سکانس های مرتبط به آن خانواده شیمی بسیار درستی دارد که حتی در سکانس های لبخوانی بابک حمیدیان لحظات گرم و دوست داشتنی ای در فضای فیلم (که در خدمت آدم های خلق شده در میزانشن اثر است) شکل می گیرد، در مجموع،

قابل بحث و گرم فقط در نیمه اول

ایزدیار) در ازای پولی که می گیرد به قتل (و اتهام تجاوز که بعد از آن میرا می شود) را گردن گرفته تا در ازای آن پول بالایی به خانواده اش برسد (او معتقد است که مصرفی برای هیچ کس و هیچ کجا ندارد و حتی کسی به دنبال رد او نیست؛ حال می خواهد به فرض خوبش با چنین کاری دست به یک فداکاری بزرگ بزند) در این میان اما برادر جواد عزتی که نوید پورفرج ایفاگر آن است از طریق هم صحبتی با ایزدیار متوجه ماجرا شده و دست به هر کاری می زند تا برادرش را از مهلکه نجات دهد (مثلا برادر قاتل اصلی را گروگان می گیرد و آب را هم روش باز می گذارد و ما ابتدا نمی فهمیم که در رفت و برگشت پورفرج از محل قرار تا تعمیرگاه تلف شده یا همچنان زنده است؟) فیلم اما قصه و سرنوشت عزتی و پورفرج رانیمه کاره را می کند، همانگونه که سرنوشت ایزدیار و حمیدیان را؛ که همین موضوع نیز بزرگترین چشم اسفندیار فیلم است، اینکه یک

شرایط جسمی (وروحی) فرزندشان هستند که نیاز به پیوند مغز استخوان دارد و پزشک فیلم از سه روش و احتمالات اقدامات پیش رو می گوید و زوج قصه ما وارد فاز جدیدی می شوند، نهایتا آن ها پس از یک کشمکش نسبتا طولانی تنه راهی که احتمال قوی تری داشته باشد و آن ها را سریع تر به نتیجه برساند (از طریق پزشک به آن ها اعلام شده که زمان حکم طلا را دارد) انتخاب می کنند. کاراکتر همسر موفق می شود شوهرش را راضی کند تا از یکدیگر جدا شده و نهایتا با عقد موقت مجدد با همسر سابقش که جواد عزتی ایفاگر آن هست، باردار شده تا بتواند از طریق بند ناف موجود در جنین تازه، به درمان فرزندشان احتمال بالایی ببخشند؛ چرا که در این صورت حتی اگر درمانی هم رخ ندهد، مادر قصه ما خیالش راحت است که از هیچ تلاشی دریغ نکرده؛ اما آن طرف ماجرا چه خبر است؟ کاراکتر جواد عزتی (همسر سابق کاراکتر پریناز



مهدی تیموری

سرریز

نکات مثبت: بازی های روان و باورپذیر، ایده مرکزی جذاب و متفاوت، فضای غیر کلیشه ای فیلم با تمرکز بر روی کنش ها و واکنش های کاراکترها و...

نکات منفی: فیلم عملا پایان بندی ندارد! تازه ترین ساخته حمیدرضا قربانی روایت موازی دو خانواده ای است که در یک سو کاراکترهای پریناز ایزدیار و بابک حمیدیان در تکاپو و تلاش برای بهبود

موفق تالب خط پایان

فصل ملاقات با برادرش در زندان خوب است و همراه با نوید پورفرج سکانس دو نفره ماندگاری را خلق کرده اند، در فصل ماقبل پایانی که همسرش نزد او می آید، حتی موفق به حفظ راکورد بازی اش هم نشده است. متأسفانه موفق به تماشای سه کام حبس نشدم، اما پریناز ایزدیار یواش یواش دارد در نقش زن هایی که گرفتار موقعیت های سختی هستند، کلیشه می شود. اگر پایان بندی فیلم را که البته مهم ترین بخش هر فیلمی است، نادیده بگیریم، مغز استخوان فیلم خوبی است که حمیدرضا قربانی را به عنوان یک کاربلد به سینمای ایران معرفی می کند. هر چند از دستیار اصغر فرهادی کمتر از این هم نمی توان انتظار داشت.

اوج و فرود و به اصطلاح خودمان پرملاقی را روایت کرده و شخصیت ها را درگیر موقعیت بحرانی کند. فارغ از برخی نماهای کوتاه فیلم که اضافی هستند و حذفشان هیچ لطمه ای به روایت نمی زند، حمیدرضا قربانی بی لکنت موفق می شود شخصیت ها را معرفی کرده و تماشاگر را با آن ها همراه کند.

پرداخت درست شخصیت های اصلی به خصوص کاراکترهایی که بابک حمیدیان و نوید پورفرج با نقش آفرینی درجه یکشان ایفا می کنند، همذات پنداری مخاطب را در پی دارد.

جواد عزتی نسبت به دیگر نقش آفرینی هایش در دو فیلمی که از او در جشنواره دیدیم (شنای پروانه و دوزیست) در حدی پایین تر قرار می گیرد. همانقدر که او در



احمد شاهبوند

دومین ساخته سینمایی حمیدرضا قربانی در مجموع یکی دو پله بالاتر از فیلم اول او یعنی خانه ای در خیابان چهل و یکم قرار می گیرد. صرف نظر از پایان بندی ناگهانی و رها و باز و ول فیلم که گویی کارگردان شخصیت هایش را روی هوا رها می کند و به عنوان بندی پناه می برد، فیلم، نسبتا خوش ساخت و روپاست. علی زرنکار به عنوان فیلمنامه نویس موفق می شود داستان پر



۲ از ۵

یادداشتی بر فیلم آن شب اثر کوروش آهاری؛



۳.۵ از ۵

فیلم از جذابیت های پشت صحنه فیلم است. قطعا فیلمی با ژانر ترسناک نمی تواند کاندیدا یا شانس بردن جایزه به خصوص در بخش های اصلی باشد اما آن شب را می توان بهترین فیلم ژانر ترسناک سینمای ایران دانست.

activity get out را در کارنامه خود دارد، همچنین حضور تری جرج نویسنده فیلم های به نام پدر و هتل رواندا به عنوان دستیار تهیه کننده و جفری آلارد که سابقه تهیه کنندگی فیلم کشتار با اره برقی در تگزاس را دارد در کنار

حقیقت را بگو تا صبح شود

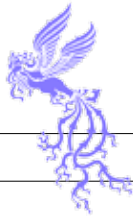
بسیاری موارد از فیلم های ترسناک هالیوودی هم بهتر است. گرچه فیلم کامل نیست و طبعاً ضعف هایی دارد؛ به طور مثال شخصیت ها عمق زیادی ندارند و خوب پرداخت نشده اند و در جاهایی از فیلم گاهی ترس ها قابل پیش بینی است و همچنین پایان بندی فیلم انتظار بیننده را برآورده نمی کند اما به طور حتم اولین بار در تاریخ سینمای ایران است که فیلمی در ژانر ترسناک ساخته شده که استانداردهای بین المللی دارد. صحنه پردازی فیلم بالاتر از سینمای ایران است، نیما فخر آرا که آثارش را در چند پروژه از جمله بازی های کامپیوتری کمپانی های بزرگ جهان دیده ایم موسیقی را به درستی هر چه تمام تر انتخاب کرده که با فیلم همخوانی بالایی دارد. یکی دیگر از نکات قوت فیلم همکاری کارگردان با استدیوی فیلمسازی بلام هوس است، استدیوی insidious, paranormal که تهیه فیلم های

فرزندانش تا صبح در یک هتل بگذرانند، اتفاقات ترسناک در یک هتل که هیچ کس در آن نیست همان اثر شاهکار کوربیک یعنی درخشش را به یادمان می آورد. کوروش آهاری داستان و دلهره هایش را آرام آرام لقمه می گیرد و در دهان بیننده می گذارد، ترس به درستی در هر صحنه به خورد مخاطب داده می شود، آن شب در اکثر سکانس ها بیننده را وابسته به خود می کند و با یک مغناطیس مناسب جای پلک زدن هم نمی گذارد، آن قدر اتفاقات ریز و درشت ترسناک در فیلم قرار دارد که نباید حتی لحظه ای چشم از آن برداشت، استفاده درست از دوربین به طوری که حتی یک نمای زائد نمی بینم و تمام نماها به اندازه و متوالی دلهره را آرام آرام تزریق می کند، نمادها و نشانه ها کاملاً در خدمت فیلم است، کوروش آهاری تمام المان های یک فیلم ترسناک امروزی را در اثر پیاده کرده، جنس ترس فیلم حتی در



فراز اسدی

حسرت دیدن اثر خوب Horror در سینمای ما حسرتی بلند بالاست، چند سال یک بار شاید کارگردانی پیدا شود و داستانی ترسناک را بر روی پرده بیاورد اما اصولاً واکنش منفی مخاطب و منتقدان رو به رو می شود، اما اینبار قرار است واقعا نفس هایمان حبس شود و بتدریج، فیلم آن شب کوروش آهاری که تولید آن در آمریکا بوده داستانی است درباره مردی که به همراه خانواده اش بعد از مهمانی و در راه برگشت خانه راه را گم می کند و او که به خاطر خوردن الکل کمی هم گیج است تصمیم می گیرد شب را با همسر و



یادداشتی بر فیلم روز بلوا اثر بهروز شعبی!

شعار می دهیم پس هستیم!

نشان می دهد! فیلم نه تنها در داستان بلکه در نکات فنی هم به شدت لنگ می زند. صداپردازی فیلم هم با مشکلات اساسی مواجه است. نورپردازی فیلم در سکانس هایی مانند خانه شاگرد آزار دهنده می شود. فیلم در فیلمبرداری اما نمره تقریباً خوبی می گیرد چند قاب خوب که نشان می دهد ویژگی های بصری فیلم در خدمت روایت است که یاد نیابردنش اجحاف است. روز بلوا می توانست فیلم بهتری باشد اگر به این همه شعار ناخواسته تن نمی داد. شعبی راه موفقیت را بلد است و این را در دارکوب و پیش از آن دهلیز نشانمان داد. تنها راهش دور شدن از آثار شعاری مثل تنهایی لایلا و پرده نشین و روز بلواست.

داستان فیلم کاملاً نپخته است، شخصیت اصلی فیلم اصلاً نمی داند می خواهد برادرش را نجات دهد یا به دنبال بالا دستی هاست یا به فکر مبرا کردن خودش از این وضع موجود! در جایی از فیلم این مرد با یک جوان هکر آشنا می شود و با کمک او به شکل یک شوالیه ی تنها می خواهد به جنگ مشکلات برود، جدای از کاراکتر جوان هکر که با یک لپ تاپ کارهایی انجام می دهد که از پیچیده ترین مأموران امنیت شبکه هم بر نمی آید، این ایده ی یک مرد و یک شهر سیاه ابداً نمی تواند از شعار زدگی رهایی یابد، کاراکتر بابک حمیدیان به شدت ساده لوح طراحی شده، چندین سال است کنار کسانی که اختلاس گزند زندگی می کند و هیچ وقت حتی شک نکرده که خانه ی چند میلیاردری و ماشین های شاسی بلند و مدرنی که زیر پایش است از کجا آمده، این عملاً ناتوانی کارگردانی در پردازش درست شخصیت را

فراز اسدی - فیلم جدید بهروز شعبی روز بلوا داستان مردی روحانی است که به طور ناخواسته وارد بازی پیچیده و مشکلی می شود او که داعیه ی دفاع از مردم و گفتن حقیقت را دارد بعد از مدتی متوجه می شود که تمام زندگی و اطرافیان درگیر فسادهای کلان مالی هستند. فیلم فساد اقتصادی و مشکلات مالی این روزهای جامعه را هدف گرفته اما متأسفانه تیرش نه تنها به هدف نخورده بلکه چندین کیلومتر آن طرف تر به یک هدف اشتباهی برخورد کرده است. فیلم اساساً شعاری است اما اینطور می نمایاند که فرم شعار ندارد. فیلمی که همان ابتدا نشان می دهد که حتی جرات نقد همه گروه ها را ندارد و انگار تنها می خواهد به گروهی خاص از افراد حکومت یا بالادستیان بپردازد و با توجه به اینکه سرمایه این فیلم با سازمان هنری اوج تأمین کرده دیده می است که سلاقی سیاسی نیز در کار دخیل است.



☆ ☆ ☆ ۰.۵ از ۵

خبر روز

وزیر ارشاد خبر داد:

شفاف سازی مالی جشنواره های فجر، سه ماه بعد از برگزاری



موضوع گیری به عدم نتیجه گیری منجر شود و ما بیشتر به نتیجه فکر می کردیم. صالحی درباره بودجه تئاتر با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری در نشست با هنرمندان این حوزه عنوان کرد: بودجه هنرهای نمایشی بودجه اندکی است و این نگاه ویژه مقام معظم رهبری می تواند به کمک حوزه هنرهای نمایشی بیاید. امیدواریم به عنوان مسئولان دولتی از هنر نمایشی کشور حمایت کنیم اما هنرهای نمایشی به طور خاص جایگاهی دارد که نباید و نمی تواند مورد غفلت قرار گیرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره همزمانی جشنواره های تئاتر و فیلم فجر خاطر نشان کرد: تلاش ما این است که با همه شرایط موجود امکانی فراهم کنیم هنرمندان بدون دغدغه در جشنواره ها حضور پیدا کنند. البته در حال حاضر همزمانی جشنواره ها بیشتر به تئاتر و سینما مربوط است، البته در ایام دهه فجر باید پاره ای از اتفاقات فرهنگی و هنری همزمان شوند و بروندادهای فرهنگی و هنری انقلاب را یکجا شاهد باشیم.

وزیر ارشاد در حاشیه حضور در سی و هشتمین جشنواره تئاتر فجر در پاسخ به سوال خبرنگار ستاد خبری این رویداد عنوان کرد: هنرهای نمایشی به طور خاص جایگاهی دارد که نباید و نمی تواند مورد غفلت قرار گیرد. به گزارش رسیده، سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه حضور در سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر و تماشای نمایش «صدمین سالگرد فتح گریه» به کارگردانی مهرداد علیپور اثری از گچساران با حضور در جمع خبرنگاران درباره ماجرای انصراف برخی هنرمندان از حضور در جشنواره های فجر بیان کرد: مهم این بود که اهالی هنر دچار انشقاق نشوند، این که در حال حاضر جشنواره تئاتر فجر با حضور پررنگ استان های مختلف و بدون اختلاف و ایجاد نزاع درونی پیش رفته، مطلوب است. وی افزود: اختلاف سلیقه به تبع وجود دارد اما خوشحالیم که اجرای نمایش های خوبی را اکنون در جشنواره شاهد هستیم و به همه سلیقه ها نیز احترام می گذاریم. ممکن بود هر

وی با تأکید بر اهمیت همدلی هنرمندان بیان کرد: تمام تلاش ما این است که اهالی فرهنگ و هنر کنار هم باشند و همه با جدیت این مسیر را پیش ببرند. از همه حوزه ها از جمله هنرهای نمایشی خواستیم تا سلیقه ها را بر قوانین حاکم نکنند. همچنین دقت گروه های بررسی کننده بر این بود که مسیر اعتدال و میانه روی با رعایت قانون حفظ و سلیقه ها هم در نظر گرفته شود.

سینمای جهان

به کارگردانی لین مانوئل میراندا؛ «همیلتون» به سینمای رود

کمیانی دیزنی اعلام کرد نمایش موفق «همیلتون» را در قالب فیلم سینمایی درمی آورد.

به گزارش دنیایسوادار به نقل از ورایتی، نمایش «همیلتون» که با اقبال وسیعی روبه رو شده بود، در نسخه های سینمایی روی پرده ها می رود. گفته شده این فیلم به روش «لایو کیچر» خلق می شود. در این روش بهترین عناصر تئاتر زنده با عناصر سینمایی ترکیب شده و حاصل کار اجرایی سینمایی می شود.

برای ساخت این نسخه سینمایی از ۳ اجرای زنده و تصاویری از اجراهایی بدون حضور تماشاگر بهره گرفته می شود تا از زوایای چندگانه فیلم شکل بگیرد.

لین مانوئل میراندا که خالق این اثر بود، کارگردانی فیلم را انجام می دهد. وی هفته پیش در جشنواره ساندنس در مصاحبه ای گفته بود این نمایش را باید در سینماها دید اما از این پروژه صحبتی نکرده بود.

فیلم های نسخه سینمایی تابستان ۲۰۱۶ در سالن تئاتر «ریچارد راجرز» ضبط شد اما توافق شد تا سال ۲۰۲۰ روی پرده نرود. این فیلم در مدت ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه ساخته می شود.

فیلم جدید با همان بازیگران تئاتر جان می گیرد که شامل میراندا در نقش الکساندر همیلتون، دیوید دیکر در نقش مارکی دو لافایت / توماس جفرسون، رنه الیزه گلدزبری در نقش آنجلیکا شویلر و لزلای ادوم در نقش آرون بر است.

کریستوفر جکسون نیز در نقش جورج واشنگتن و جاناتاگ گراف در نقش شاه جورج دیده می شوند.

باب ایگر مدیرعامل دیزنی گفته است: لین مانوئل میراندا خالق تئاتر «همیلتون» بود که به یک پدیده فرهنگی واقعی تبدیل شد. همه آنهایی که نمایش را با بازیگران اصلی دیدند هرگز آن تجربه را فراموش نمی کنند و ما بسیار خوشحالیم که فرصت به اشتراک گذاشتن تجربه دیدن تئاتر برادوی را با میلیون ها نفر در سراسر دنیا داریم.

میراندا نیز دیروز در یک توییت تولید این پروژه سینمایی را تأیید کرد.

گفته شده دیزنی برای کسب حق پخش جهانی این فیلم ۷۵ میلیون دلار پرداخت کرده است.

نمایش «همیلتون» نخستین بار سال ۲۰۱۵ در برادوی روی صحنه رفت و جوایز متعددی کسب کرد که ۱۱ جایزه تونی و جایزه پولیتزر برای نمایش از جمله آنها بود.

کمیانی دیزنی نمایش موزیکال «همیلتون» را از ۱۵ اکتبر سال ۲۰۲۱ در قالب این فیلم سینمایی به پرده ها می برد.

گیشه

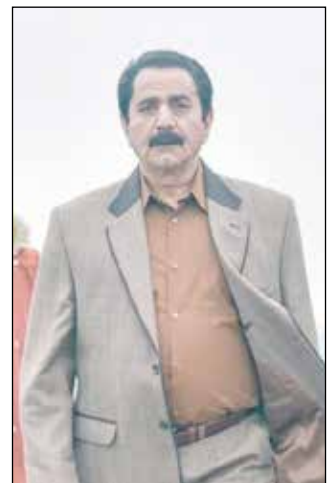
از آمار فروش فیلم های روی پرده در سینماها چه خبر؟

مطرب کیایی همچنان پر فروش!

آشتگی / ۱۱ سینما / ۴۵ روز نمایش / فروش کل: ۵۸۰ میلیون تومان
اژدر / ۶۴ سینما / ۲۷ روز نمایش / فروش کل: ۴۳۶ میلیون تومان
سونامی / ۱۲ سینما / ۳۸ روز نمایش / فروش کل: ۳۵۰ میلیون تومان
مشت آخر / ۱۵ سینما / ۴۵ روز نمایش / فروش کل: ۲۰۳ میلیون تومان
امیر / ۱۸ سینما / ۲۰ روز نمایش / فروش کل: ۱۰۷ میلیون تومان
کاتی و ستاره / ۲۰ سینما / ۱۴ روز نمایش / فروش کل: ۱۰۶ میلیون تومان

میلیون تومان
بنیامین / ۸۶ سینما / ۸۷ روز نمایش / فروش کل: چهار میلیارد و ۷۰۳ میلیون تومان
جهان با من برقص / ۱۲۴ سینما / ۳۱ روز نمایش / فروش کل: چهار میلیارد و ۹۵۴ میلیون تومان
جان دار / ۳۹ سینما / ۵۲ روز نمایش / فروش کل: سه میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان
نفر / ۷۰ سینما / ۵۲ روز نمایش / فروش کل: یک میلیارد و ۶۵۹ میلیون تومان
تورنادو / ۲۲ سینما / ۸۷ روز نمایش / فروش کل: ۹۱۴ میلیون تومان

جدیدترین آمار فروش فیلم های روی پرده در سینماهای تهران و شهرستان ها تا عصر چهارشنبه (۱۶ بهمن ماه) به شرح زیر است: مطرب / ۱۱۹ سینما / ۸۷ روز نمایش / فروش کل: ۳۶ میلیارد و ۷۱۶ میلیون تومان
چشم و گوش بسته / ۷۰ سینما / ۸۷ روز نمایش / فروش کل: ۱۱ میلیارد و ۹۱۵ میلیون تومان
زیر نظر / ۱۰۶ سینما / ۳۸ روز نمایش / فروش کل: هفت میلیارد و ۱۶۶ میلیون تومان
منطقه پرواز ممنوع / ۵۴ سینما / ۸۷ روز نمایش / فروش کل: پنج میلیارد و ۷۰۰



در نشست خبری فیلم «مغز استخوان» چه گذشت؟



حمیدرضا قربانی: با اصغر فرهادی در نگارش فیلمنامه همکاری نداشتیم!

ماجرای دارند. حمیدرضا قربانی در خصوص همکاری اصغر فرهادی در نگارش فیلمنامه را تکذیب کرد و گفت: من شاید در حوزه کاری خودم از افرادی مشاوره گرفته باشم اما این فیلمنامه را علی زرنگار به تنهایی نوشته است. پورفرج درباره شباهت این نقش به نقشش در «مغزهای کوچک زنگ زده» گفت: من نقشی را انتخاب کردم که خیلی از رفتارهایش شبیه به کاراکتر قبلی است و فقط جغرافیایی که در او قرار گرفته تفاوت دارد؛ اما من سعی کردم کار متفاوتی ارائه دهم.

ناگزیر بودیم پایان اثر را تغییر دهیم. شعبی درباره نقش خود در فیلم گفت: واقعیت این است که وقتی می‌خواهم به عنوان بازیگر به یک پروژه بروم همه معیارهای من برای انتخاب مساله، بازیگری است و من این پروژه را انتخاب کردم چون امنیت خاطر داشتم. از سویی دلیل انتخاب این نقش تفاوت ظاهری این کاراکتر بود. من همیشه در نقش‌هایی حضور داشتم که کمی ژولیده بوده و در این فیلم نقش یک وکیل آراسته را ایفاء کردم. درباره اینکه ارزشی بودن خود را حفظ می‌کنم بیشتر این است که دیگران اصرار به این

ما قابلیت این را داشت که نزدیک به آن نقش باشد. وقتی به نوبت برای ایفای این نقش فکر کردم احساسم این بود که می‌تواند از عهده آن بر بیاید و ما تلاش کردیم از نقش قبلی او دور باشد که فکر می‌کنم این اتفاق افتاده است. ایزدیار درباره این که چقدر به شخصیت زن فیلم حق می‌دهد گفت: من اگر جای بهار بودم حتما همین کار را انجام می‌دادم و به او به عنوان یک مادر کاملاً حق می‌دهم. از نظر من هیچ عشقی بالاتر از عشق مادر به فرزند وجود ندارد. زرنگار درباره سانسور بخش‌هایی از فیلم گفت: من متاسفم که عواملی می‌آیند و اثر را تکه پاره می‌کنند. پایان فیلم اسیر ممیزی شده است و

ماهری کار کنم که فرد قصه‌گویی باشد. من نگاه آقای زرنگار را دوست داشتم برای کار چندین طرح وجود داشت اما در نهایت به این طرح رسیدیم. کارهای قبلی او را دنبال کرده بودم و برای نگارش فیلمنامه صحبت کردیم. کار و فضای ذهنی او را دوست داشتم و چند ماه برای رسیدن به این قصه صحبت کردیم و از نتیجه قصه هم راضی هستیم. زرنگار هم درباره ایده فیلم که چقدر از واقعیت نشأت گرفته، گفت: این قصه واقعی نیست. من به عنوان یک زنی که در این شرایط قرار دارد نامه‌ای به قوه قضائیه نوشتم اما پاسخی نگرفتم. قربانی درباره نزدیکی نقش پورفرج در این فیلم با نقش‌اش در مغزهای کوچک زنگ زده گفت: قصه

نشست فیلم «مغز استخوان» به کارگردانی حمیدرضا قربانی با حضور کارگردان فیلم، حسین پور محمدی (تهیه‌کننده)، علی زرنگار (نویسنده)، پرنیاز ایزدیار، بهروز شعبی، نوید پورفرج، احمد ساعتچیان (بازیگران)، مرتضی قیدی (مدیر فیلمبرداری)، بابک میرزاخانی (آهنگساز)، امیرحسین قدسی (طراح صحنه)، محمود دهقانی (طراح چهره پردازی)، علیرضا مجمع (منتقد) و با اجرای منصور ضابطیان روز گذشته شانزدهم بهمن ماه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. قربانی در ابتدای نشست در پاسخ به این سوال که ایده فیلم چگونه شکل گرفت، گفت: وقتی خواستم فیلم دوم را شروع کنم تصمیم گرفتم با نویسنده

در نشست خبری فیلم «روز بلوا» چه گذشت؟

بهروز شعبی: برای بازگرداندن عدالت به خودمان باید بلوای درونی در ما شکل بگیرد!

سواستفاده شده است و بعد از آن دست به اقداماتی می‌زند. شخصیت‌ها در این فیلم نسبت به یکدیگر طراحی شده‌اند. لیلا زارع بازیگر نقش «راحه» در «روز بلوا» تصریح کرد: کاراکتر زن در فیلمنامه روحانی اینگونه تعریف شده بود که بیشتر از اینکه حرف‌های همسرش برایش اهمیت داشته باشد به حرف‌های پدرش اهمیت می‌داد. همچنین کارگردان واژه عدالت را کلید واژه این داستان عنوان کرد و گفت: باید بلوای درونی در همه ما شکل گیرد تا عدالت را به خودمان بازگردانیم. ممکن است کدهای مختلفی در فیلم وجود داشته باشد که ما را یاد بسیاری از آدم‌هایی که می‌شناسیم بیندازد.

نویسنده فیلم تصریح کرد: من آدم سیاسی نیستم و انتخاب شخصیت روحانی به این دلیل بود که در ساختار جامعه اثر گذاری بیشتری دارد. من در این فیلم به درام فکر کردم و به دنبال تعریف شخصیت فرد روحانی او را مردی تصور کردم که دچار لغزش می‌شود و تلاش می‌کند آن را اصلاح کند. کارگردان «روز بلوا» در ارتباط با نقش‌های فیلم گفت: فکر می‌کنم در مورد نقش‌ها هر استنباطی کنید درست است. مخاطب می‌تواند هر گونه که دوست دارد فکر کند. شخصیت روحانی در این فیلم ساده لوح نیست، او هنگامی که در دایره خانواده قرار می‌گیرد و متوجه می‌شود که از اعتمادش

فیلم درگیر کرد اما در ابتدا قصد نداشتیم در مورد روحانی فیلمی را بسازیم. او گفت: طرح را به موسسه اوج پیشنهاد دادم و فیلم اگر هر مسئله و موضوعی دارد حاصل تعامل ما با آقای کاشانی بوده است و این فیلم پیشنهاد ما بوده است. شعبی در مورد موسیقی «روز بلوا» نیز گفت: کارن همایونف بهترین موسیقی ممکن را برای این فیلم ساخت. شعبی تصریح کرد: بر این باورم که روحانیت بخش تاثیرگذار جامعه است و در این فیلم قرار بوده که درامی را بر همین اساس شکل دهیم.



ملت برگزار شد. منتقد فیلم در ابتدای نشست بیان کرد: فیلم «روز بلوا» را با فیلم‌های قبلی آقای شعبی مقایسه کردم و برایم اهمیت داشت که این فیلمساز داستان‌های مختلفی دنبال کرده است و متناسب با دغدغه‌های روز داستان را روایت کرده است. کارگردان فیلم در خصوص ایده این فیلم گفت: ایده اولیه بر اساس مشکلات اقتصادی که این چند سال در کشور ما به وجود آمده من را برای ساخت این

نشست فیلم «روز بلوا» به کارگردانی بهروز شعبی با حضور کارگردان فیلم، مهران کاشانی (نویسنده)، لیلا زارع، داریوش ارجمند، محمد علیمحمدی (بازیگران)، امین جعفری (مدیر فیلمبرداری)، کارن همایونف موسیقی، سیدعلیرضا علویان (صداگذار)، سارا سمیعی (طراح لباس)، کامیاب عشایری (طراح صحنه) و سحر عصر آزاد (منتقد) با اجرای منصور ضابطیان روز گذشته شانزدهم بهمن ماه در پردیس سینمایی

در نشست خبری فیلم «خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری» چه گذشت؟

پیمان قاسم‌خانی: ۶۷ دقیقه از خوب بد جلف ۲ را کوتاه کردیم

پیشرفت تکنیکی در کارگردانی را مدیون محسن چگینی هستیم



این فیلم تصریح کرد: از علی خواستم مانند یک «فک» در این فیلم بازی کند و همیشه آویزان باشد. او هم دقیقاً همین کار را انجام داد. قول می‌دهم در «خوب، بد جلف ۳» نقش بهتری به او بدهم. او ادامه داد: این فیلم با قسمت اول تفاوت خاصی ندارد فقط از نظر ژانر کمی تفاوت وجود دارد. به این معنا که در قسمت دوم به ژانر کمدی اکشن نزدیک است.

کار را کرد زیرا به عنوان دومین کارم در یک فیلم سینمایی کاملاً متفاوت بازی کردم. حامد کمیلی نیز درباره نقش خود در این فیلم گفت: همیشه کنجکاو بودم که نقش‌های جدید بازی کنم فکر می‌کنم در این فیلم زیاد از خود همیشگی‌ام دور نبودم. از بازی در این فیلم راضی بودم و برایم تجربه جدیدی بود. قاسم خانی همچنین درباره حضور علی اوجی در

علاقه‌مند نیست زیرا این فیلم معیارهای لازم برای حضور در جشنواره را ندارد. وی افزود: نکته دیگر «خطر بازی» است که قاسم‌خانی در این فیلم روی آن دست گذاشته است. پیمان قاسم‌خانی در ادامه نشست گفت: کارگردانی این فیلم به صورت مشترک با محسن چگینی بود و اگر از لحاظ تکنیکی پیشرفتی نسبت به کار قبلی من دیده می‌شود مدیون محسن است. وی ادامه داد: توقع ما از جشنواره فیلم فجر این بود که مثل یک ویتترین عمل کند و اگر کسی از فیلم خوشش آمد برایش تبلیغ کند. در جشنواره‌های فیلم ایران هیچ جایی برای فیلم‌های کمدی نیست اما اگر به واسطه این جشنواره اتفاق خوبی برای این فیلم بیفتد خوشحال می‌شوم. سام درخشانی نیز درباره حضور خود در فیلم‌های

نشست خبری فیلم «خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری» به کارگردانی و نویسندگی پیمان قاسم‌خانی با حضور کارگردان، محسن چگینی (تهیه‌کننده)، پژمان جمشیدی، سام درخشانی، حامد کمیلی، ریحانه پارسا (بازیگران)، آیدین ظریف (طراحی صحنه)، عباس عیسی (طراح چهره پردازی)، حسین ابوالصدق (صداگذار)، میثم مولایی (تدوینگر) حسین جلیلی (مدیر فیلمبرداری)، علیرضا مجمع (منتقد) و با اجرای منصور ضابطیان شب گذشته چهارشنبه شانزدهم بهمن ماه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. در ابتدای این نشست علیرضا مجمع (منتقد) بیان داشت: این فیلم در ادامه فیلم قبلی پیمان قاسم‌خانی است. تصور این است که این فیلم استاندارد لازم برای یک فیلم کمدی را دارد اما نکته‌ای که وجود دارد این است که پیمان قاسم‌خانی به جشنواره

خبر

با اعتصاب کارگران شهرداری
پاریس زباله‌دان شده است

اعتصاب کارگران شهرداری و پاکبان‌ها در سراسر پاریس باعث شده تا نبوهی از زباله در خیابان‌های این شهر جمع شود.

به گزارش دنیای هوادار به نقل از خبرگزاری فرانسه، فعالیت شش کوره از هفت کوره زباله سوزی در پاریس به دلیل این اعتصاب متوقف شده و همین امر سبب شده تا زباله‌ها برای چندین روز در مناطق مختلف روی هم تلنبار شوند.

افزایش حجم زباله‌ها در پاریس و پارک‌های عمومی مساله نگرانی از سلامت عمومی را به شدت افزایش داده است.

یکی از سکنه پاریس گفته است: اعتصاب پشت اعتصاب. هر روز شاهد اعتصاب هستیم. این مساله، شهر را غیر قابل سکونت کرده است. چیزی که ما را نگران می‌کند وجود موش در خیابان‌ها است. انگار خیابان‌های شهر به یک رستوران باز برای آنها بدل شده است.

این وضعیت در پاریس حتی برای گردشگران خارجی هم تنفرآمیز شده به طوری که یکی از گردشگران آمریکایی در پاریس گفت: این واقعا برای یک گردشگر مضمّن کننده است. به گفته مقام‌های محلی در مارس، کارگران برای ۱۰ روز گذشته مراکز بازیافت زباله را مسدود کرده و باعث شده‌اند تا ۳۰۰۰ تن زباله در خیابان‌ها تلنبار شود.

مسئولان شهری از اتحادیه‌ها خواسته‌اند تا حداقل کاری را که از دستشان برمی‌آید، انجام دهند و اوضاع شهری را درست کنند و سطل‌های زباله را در محل‌های خود قرار دهند تا شهروندان آشغال‌های خود را مستقیماً در خیابان نریزند. پاکبان‌های فرانسوی هم به طرح‌های دولت برای اصلاحات قوانین بازنشستگی اعتراض دارند.

کلنگ‌زنی پروژه تجمیعی ۱۳ پلاک
فرسوده در منطقه ۱۵

شهردار تهران ضمن بازدید از پروژه‌های بهسازی محیطی سازمان نوسازی در منطقه ۱۵، مرکز محله خاتون را افتتاح کرد و کلنگ پروژه تجمیعی ۱۳ پلاک فرسوده را به زمین نشاند.

به گزارش دنیای هوادار به نقل از ایسنا، پیروز حناچی به همراه معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران، مدیرعامل سازمان نوسازی، شهردار منطقه ۱۵ و جمعی از معاونان و مدیران از روند پیشرفت پروژه‌های بهسازی محیطی در حال اجرا و وضعیت پروژه‌های اجرا شده این سازمان در منطقه ۱۵ بازدید میدانی به عمل آورد.

حناچی ضمن بازدید از پروژه‌های بهسازی محیطی مرکز محله درخشان، مرکز محله شیرین دخت، مرکز محله خاتون، فضای سبز پیرامون امامزاده سید ملک خاتون، بازگشایی محور ده متری حدفاصل خیابان شهید واسعی و شهید حجت اله صادقی رهنمودها و نکات لازم را به منظور پیشبرد هر چه بهتر امور متذکر شد.

بر اساس این گزارش، مرکز محله خاتون به وسعت عرصه مداخله ۴۰۰ مترمربع که با هدف ساماندهی اراضی رها شده، تأمین بخشی از کمبود خدمات محله‌ای، ارتقاء امنیت محله، ایجاد مکانی برای تعاملات اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی ساکنان محله اتابک احداث شده، صبح امروز به دست شهردار تهران افتتاح شد.

در ادامه کلنگ آغاز عملیات نوسازی ۱۳ پلاک تجمیعی فرسوده در محله مینیالی با مساحت عرصه ۴۰۰ متر مربع، ۱۵ واحد مسکونی و زیربنای ۱۶۵۴ متر مربع توسط شهردار تهران به زمین خورد.

بر اساس گزارش اداره ارتباطات و امور بین الملل سازمان نوسازی شهر تهران، این پروژه تجمیعی به منظور الگوسازی مسکن و ارتقاء پروژه‌های تجمیعی بزرگ مقیاس در سطح محلات فرسوده به همت سازمان نوسازی شهر تهران با هدف ارتقای کیفیت زندگی ساکنان از طریق خلق معماری ارزشمند با الگوی بهینه و متناسب با سبک زندگی ساکنان، شرایط اجتماعی و فرهنگی محلات، کاهش مصرف انرژی و هزینه‌های نگهداری با استفاده از دانش معماران برجسته طراحی شده است.

خستوانتقاد کرد:

متولی کارهای فرهنگی در کرج مشخص نیست!



موجب شد تا اصلاحاتی در برخی از امور شهری صورت گیرد.

نائب رئیس شورای اسلامی شهر کرج در خصوص میزان افزایش بودجه پیشنهادی شهرداری کرج برای سال ۹۹ نسبت به سال جاری گفت: وضعیت اقتصادی حاکم در کشور به گونه ای نیست که ما بخواهیم بودجه سال آینده را بیش از انتظار افزایش دهیم.

خستو به موضوعات فرهنگی شهر اشاره کرد و گفت: متأسفانه هیچ رویکرد فرهنگی قابل توجهی در شهر شاهد نبوده ایم و متأسفانه متولی کارهای فرهنگی در سطح شهر مشخص نیست و همین امر موجب گردیده تا زواید بصری و تبلیغات شهر دچار نابسامانی شود.

نائب رئیس شورای اسلامی شهر کرج در خصوص میزان افزایش بودجه پیشنهادی شهرداری برای سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸ گفت: وضعیت اقتصادی حاکم در کشور به گونه ای نیست که ما بخواهیم بودجه سال آینده را بیش از انتظار افزایش دهیم.

به گزارش دنیای هوادار، رحیم خستو در شصتین جلسه کمیسیون تلفیق که به منظور بررسی بودجه پیشنهادی شهرداری کرج در سال ۹۹ برگزار شد، گفت: مدیریت شهری کرج در دوره پنجم شورا با سرلوحه قرار دادن شعار شفافیت به اداره امور پرداخت که این مهم

از تخلف پالادیوم چه خبر؟

شهردار منطقه یک آخرین وضعیت رسیدگی به تخلفات ساختمان پالادیوم را تشریح کرد.

به گزارش دنیای هوادار، حمید موسوی درباره آخرین وضعیت ساختمان پالادیوم که اقدام به ساخت غیرقانونی و پل و تونل کرده بود، گفت: رأی بدوی کمیسیون ماده ۱۰۰ در مورد تخلفات این ساختمان صادر شده؛ اما هنوز رأی قطعی به ما ابلاغ نشده است و از مفاد آن بی خبر هستیم. وی با بیان اینکه ما تابع رأی قطعی کمیسیون ماده ۱۰۰ در مورد تخلفات ساختمان پالادیوم هستیم، تصریح کرد: البته در این مدت در پی



آمارهای قابل تأمل درباره مدرک تحصیلی کارکنان شهرداری تهران!



و نقل و ترافیک، مرکز فناوری، نوسازی و شهر هوشمند و مرکز اجتماعی و فرهنگی را تحت پوشش خود دارد که در این مراکز قرار است بر اساس مصوبه شورا، ۵۶ رشته آموزشی ارائه شود.

ابوالحسنی با بیان اینکه هم اکنون ۲۹ رشته جاری در این مؤسسه دایر است، گفت: برای ۳۷ رشته باقی مانده نیز باید سرفصل‌ها و محتوای آموزشی مطابق با نیازهای مدیریت شهری تدوین و برای تصویب به دانشگاه علمی و کاربردی و وزارت علوم ارائه شود که این کار در حال انجام است.

اعضای کمیسیون دائمی هیئت امنای آموزش عالی علمی و کاربردی شهرداری تهران در این جلسه، چارت تشکیلاتی این مؤسسه در دوره جدید را تصویب و مؤسسه را مکلف کردند تا برنامه راهبردی مؤسسه برای ارتقای کیفیت آموزشی تدوین شود.

فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران نیز با اشاره به تجربه‌های آموزش عالی در کشور گفت: واقعیت این است که اگر شهرداری می‌خواهد نیاز علمی و کاربردی شهرداری را برطرف کند، باید نیازهای مالی مؤسسه را نیز برطرف کند و در مقابل نیز معاونت برنامه‌ریزی شهرداری با تدوین شاخص‌هایی بر ارتقای کیفیت آموزشی مؤسسه نظارت کند.

وی ادامه داد: اگر قرار باشد مؤسسه به فکر درآمدزایی یا خودگردانی باشد، نمی‌تواند برای ارتقای کیفیت تلاش کند و از این منظر دچار مشکل خواهد شد. این مؤسسه نیاز به حمایت شهرداری دارد و باید بودجه‌های آن تأمین شود. حق شناس همچنین از قول مساعد برای بررسی بودجه این مؤسسه در زمان بررسی لایحه بودجه در کمیسیون فرهنگی و اجتماعی و سخن علنی شورای شهر خبر داد و گفت: با کاهش مراکز وابسته و تخصصی شدن آموزش‌ها، امکان دفاع از بودجه مؤسسه نیز وجود دارد.

در ادامه این نشست، دکتر سید رحیم ابوالحسنی، رئیس مؤسسه آموزش عالی علمی و کاربردی شهرداری تهران، با اشاره به اینکه از سال ۹۸ سیاست و فعالیت و برنامه‌هایی برای ارتقاء کیفی مؤسسه آغاز شده است، گفت: مؤسسه پس از تعدیل مراکز بر اساس مصوبه شورای شهر تهران، در حال حاضر ۴ مرکز شامل مرکز ایمنی و آتش‌نشانی، مرکز حمل

حوزه شهرسازی یا معماری هستند و در مقابل ۳۰ درصد کارکنان تحصیلاتی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی دارند.

مظاهریان ادامه داد: مؤسسه با استفاده از ظرفیت‌های آموزش الکترونیکی و از راه دور می‌تواند هم هزینه‌ها را کاهش دهد و هم کیفیت آموزش‌ها را ارتقا دهد.

عبدالحمید امامی، معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران نیز در این جلسه، با اشاره به پراکندگی گسترده ساختمان‌های مؤسسه آموزش عالی علمی و کاربردی شهرداری تهران، از مساعدت شهرداری برای اختصاص دو ساختمان مناسب برای تجمیع مراکز وابسته به مؤسسه علمی و کاربردی شهرداری تهران خبر داد و گفت: متأسفانه در گذشته، این مؤسسه کیفیت آموزشی بسیار نازلی داشت و افراد تنها برای گرفتن مدرک به سراغ آن می‌آمدند که خوشبختانه این روند در حال اصلاح است.

وی با اشاره به سیستم مدارس غیرانتفاعی و بهره بردن از معلمان با کیفیت بالا برای جذب بیشتر دانش‌آموزان، گفت: مؤسسه علمی و کاربردی شهرداری هم می‌تواند با دعوت از اساتید برجسته دانشگاهی، علاوه بر اینکه موجب ارتقای کیفیت آموزشی شود، در جذب بیشتر دانشجویان به این مؤسسه نیز موفق‌تر عمل کند تا چرخه اقتصادی مؤسسه نیز به گردش درآید.

دکتر محمدجواد حق‌شناس، رئیس کمیسیون

معاون شهردار تهران گفت: بررسی آماری از تحصیلات کارکنان شهرداری نشان می‌دهد که برغم اینکه شهرداری با موضوع شهر و شهرسازی ارتباط نزدیکی دارد، اما تنها ۱۶ درصد از کارکنان آن دارای تحصیلات در حوزه شهرسازی یا معماری هستند.

به گزارش دنیای هوادار به نقل از همشهری آنلاین، دکتر حامد مظاهریان - معاون برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورا و سرپرست معاونت منابع انسانی شهرداری تهران در جلسه کمیسیون دائمی هیئت امنای مؤسسه آموزش عالی علمی و کاربردی شهرداری تهران با اشاره به اینکه باید جایگاه این مؤسسه در ساختار شهرداری به درستی دیده شود، گفت: یکی از مسائل اصلی که باید مورد توجه مؤسسه قرار گیرد، لزوم افزایش کیفیت آموزشی است. البته کیفیت به شاخص‌هایی نیاز دارد تا مشخص شود در سال آینده، مؤسسه از نظر شاخص‌های کیفی به کجا رسیده است. وی با اشاره به اینکه شهرداری در زمینه تربیت نیروی متخصص و ارتقای دانش کارکنان با مشکل مواجه است، تصریح کرد: بررسی آماری از تحصیلات کارکنان شهرداری نشان می‌دهد که برغم اینکه شهرداری با موضوع شهر و شهرسازی ارتباط نزدیکی دارد، اما تنها ۱۶ درصد از کارکنان آن دارای تحصیلات در

اختصاصی

داستان وفاداری پس از سقوط



محمد رضا رستگار

ششم فوریه ۱۹۵۸، کمی خسته از نبرد حیثیتی با تیمی از بلوک شرق، در حالتی خواب آلود، صدایی با لهجه غلیظ بریتانیایی به گوش می رسد که می گوید: خانم ها و آقایان، ما در حال فرود آمدن در فرودگاه مونبخ هستیم تا با یک توقف کوتاه و سوختگیری، آماده ادامه سفرمان به منچستر شویم.

چونانی به اطراف نگاه می کند و از دوست صمیمی خود، دانکن، ساعت را میبرد و در کمال تعجب از کار افتادن آن ساعت را با چشمان خود میبیند. انگار ساعت هم نمیخواست حرکت کند و میدانست دقایقی بعد فوتبال از یک تیم دوست داشتنی محروم خواهد شد و درست روی دست اعجوبه آن روزهای فوتبال، دانکن ادوارز از کار افتاده بود به مانند ساعتی که کامکان در زمان ۱۵:۰۵ بیرون ورزشگاه اولدتر افورد متوقف شده است.

همه از هوایما پیاده می شوند و آن شخص می گوید: به مونبخ آمده ایم یا سیبری؟ از بچه های بازی زمزمه هایی شنیده می شود که هوایما نقص فنی دارد و بهتر است با قطار به خانه برویم.

به ادی کلنن پاسخ میدهد که با قطار به خانه نمیرویم و همین باعث کم شدن امتیاز ما در مسابقات لیگ خواهد شد. مسابقه ای که در مقابل ولورهمپتون است و در کورس قهرمانی اهمیت بسزایی دارد. بحث ها کمیادان ادامه دارد تا اینکه خبر می آید هوایما آماده است.

همه در آن سرمای طاقت فرسا از سالن به سمت هوایما می روند، تلاش دوم با دور زدن هوایما رسماً آغاز میشود، ادی در حال بازی با پاسور می گوید: تو امروز روی شناسی، چون بازمه مرا بردی هوایما کامکان تکان دارد، بازمه همان صدا می آید که اینبار ضمن عذرخواهی از مسافران، از تلاشی دیگر برای پرواز خبر می دهد و جالب اینجاست که پس از همین تلاش ناموفق، بازمه از مسافران عذرخواهی می کند و برای رفع مشکل،

مسافران را پیاده میکند دقایقی بعد سرپرست تیم دوباره بازیکنان را برای سوار شدن به هوایما فرا میخواند، همه بهت زده و نگران هستند، شاید نمیخواهند سوار شوند، شاید میدانند که اینبار بعد از سه بازی نمی شود، اما چاره ای نیست و این مخالفت ارزش اخم و ناراحتی مت بازی را ندارد.

سوار می شوند، دانکن، ادی و دیوید برای امنیت بیشتر می خواهند به صدلی های آخر هوایما بروند و می گویند: بالا، توام بیا.

از جایش بلند می شود و سعی دارد کمر بند را باز کند، کمی مکث می کند و مهماندار از او تقاضا می کند که روی صدلی اش بنشینند و کمر بندش را برایش سفت می کند.

هوایما به ابتدای باند می رود، تلاشی دیگر برای پرواز شروع می شود، تکان ها شدید تر میشود، سر و صدای مسافران بالا می گیرد و دیگر هیچ چیز سر جای خود نیست و تائیه هایی دیگر...

چشمانش را باز می کند، به خود می آید و می بیند روی یک صدلی که از جای خود کنده شده نشسته و آسیب چندانی ندیده است، سرش کمی خونیتری دارد اما هشیار است، کمر بند را باز می کند و بلند می شود و به سراغ مصدومان می رود، پس از مدتی در نبود آمبولانس، در یک کامیون حمل ذغال خود و چند تن دیگر را به بیمارستان می رساند تا جویای حال رفقایش شود.

در بیمارستان وقتی هم تیمی هایش را به حالتی ضعیف و بی حال روی تخت ها می بیند از خود بی خود می شود و فریاد می کشد: من فوتبالیستم، ما به یوگوسلاوی آمده بودیم تا فوتبال بازی کنیم، فقط فوتبال، ما آمده بودیم تا بازی کنیم و حالا آدم های دور و بر من در حال مردن هستند و در حین تکرار جملات با آمبول آرام بخش پزشکان از حال می رود.

شاید مثل «حبیبه» فیلم «به نام پدر» هنوز جنگ برایش تمام نشده بود و فکر می کرد آلمان ها هنوز مانند جنگ جهانی دوم دشمن هستند و در آن خطای انسانی دست داشتند، شاید با خود فکر می کرد که آن هوایما بیخود در مونبخ توقف نکرده است و توطئه ای در میان است.

ساعاتی بعد به هوش می آید و پسرکی را کنار تخت خود می بیند که روزنامه ای در دست دارد و انگلیسی را خیلی سخت با لهجه آلمانی صحبت میکند و سعی در همدردی با او دارد.

از او می پرسد چه اتفاقی افتاده و چه کسانی نجات پیدا کرده اند و پاسخ می شنود: مت جونز، دیوید پگ، راجر بیرن، جفری بنت، لیام ویلان، تامی تیلور و ادی کلنن مرده اند.

بله درست است، به همین راحتی یک نسل از استعدادترین فوتبالیست های بریتانیایی پرپر شدند، افرادی مانند تامی تیلور، مهاجم آن تیم که هنوز جزو رکورد داران گلزنی در باشگاه است و دیگر نام هایی که دستکمی از بهترین های تاریخ فوتبال بریتانیانداشتند.

با بغض و چهره ای درهم دوباره می پرسد: کدام؟ همه آنها؟ و دوباره می پرسد: دانکن، دانکن ادوارز چطور؟

پسر می گوید درباره اش چیزی نمیاندانند شاید دیگر توانی برای شنیدن خبر مرگ بهترین دوست خود را نداشته باشی، شاید برای دادن این خبر زود باشد و باید شخصی دیگر این خبر را به او بدهد و حالا حس دوگانه ای دارد، ناراحت از اینکه شش هم تیمی اش کشته شده اند و کمی خوشحال از این که اسم دانکن در لیست کشته شدگان نیست.

جیمی مورفی به مونبخ می آید تا از وضعیت وخیم بازیکنان و مربیان تیم اطلاعاتی بدست بیاورد، همان کسی که بعد از تعطیل شدن باشگاه توسط مدیران جلوگیری می کند.

اولین سوالش از جیمی درباره دانکن است و پاسخ روشنی نمیگیرد و تقاضای کند که جیمی ترتیبی دهد که او دانکن را ببیند و سرانجام این اتفاق می افتد.

دانکن می گوید در غیاب من میلان را برید تا بعداً به جمع شما اضافه شوم به انگلستان برمی گردد و پس از چند روز، مادرش خبر مرگ دانکن را به او می دهد.

از شدت ناراحتی و افسردگی تمام مدال ها و جام هایش را در یک جعبه می گذارد و دور می اندازد و از فوتبال کنار می کشد.

جیمی به صراحت می گوید که به او نیاز دارد و به میداین بر گردد، حس نیاز به یک شخص چیزی بود که کمتر کسی در قاموس جیمی دیده بود، با این حال او پاسخ می دهد: چگونه به دور و برم نگاه کنم و تصمیم به پاس دادن بگیرم وقتی میدانم این بازیکنان دانکن و راجر و ادی نیستند؟ چطور در کنار کسانی بازی کنم که لیاقت پوشیدن پیراهن منچستریونایتد را ندارند؟ بدون اون

بازیکن ها، منچستریونایتد معنایی ندارد و فوتبال برای من تمام شده است شاید خودش هم میدانست که تصمیمش به شدت احساسی است و پایدار نخواهد بود.

مدتی بعد دلش برای فوتبال و باشگاه مورد علاقه اش تنگ می شود و برمی گردد، به عنوان کاپیتان یکی پس از دیگری جام ها را درو می کند تا در نهایت رویای دانکن و هم تیمی هایش را به حقیقت تبدیل می کند.

رویای قهرمانی اروپا اینقدر بزرگ بود که باعث سقوط هوایمایشان شد.

شاید بی ربط نباشد که بدانید در سال های ابتدایی شکل گیری لیگ قهرمانان، انگلیسی های لجبار و یک دنده و پر مدعا که خود را صاحبان فوتبال معرفی می کردند و همیشه ساز ناکوک اروپا بوده اند، این مسابقات را قبول نداشتند و از ورود تیم هایشان به این رویدادها جلوگیری می کردند که البته مدیران وقت اتحادیه انگلیس به مانعی اسکاتلندی که از قضا یک دنده تر از آن ها بود برخورد کردند، سرمت بازی سرمری افسانه ای یونایتد، برای اینکه اتحادیه بازی مقابل ولورهمپتون را به دلیل به موقع ترسیدن تیم منچستریونایتد به مسابقه ۳-۰ اعلام نکند، مجبور به انتخاب پرواز چارتر شد و آن حادثه اتفاق افتاد و مدت ها به همین خود را شرمنده می دانست.

۱۰ سال بعد همزمان با قهرمانی یونایتد به عنوان اولین تیم بریتانیایی تاریخ این مسابقات، مشخص شد این سقوط حاصل یک خطای انسانی مبنی بر عدم برف رویی روی باند فرودگاه بوده و همین باعث شده هوایما به سرعت لازم برای بلند شدن از زمین نرسد و پس از شکستن حصار در انتهای

باند، به ساختمانی برخورد کند و این فاجعه رقم بخورد.

به هر کیفیت قهرمان این داستان تلخ، رویای هم تیمی هایش را به حقیقت تبدیل کرد و اشک هایش در همان مراسم قهرمانی به یاد دوستانش نمایان گر این موضوع بود که این افتخار بزرگ بدون آنها هیچ ارزشی برایش نداشت.

سر بابی چارلتون، همان قهرمان داستان حماسی یونایتد با کمک رفقای جدید خود، جرج بست جذاب و دنیس لافسانه ای در مقابل باشگاه با نام مثلث مقدس، جاودانه شدند و تندپیشان یکی از مهم ترین نمادهای منچستریونایتد است.

سر بابی مودب و با شخصیت، حالا دیگر پیرمرد شده، دستانش و صدایش می لرزند، با احتیاط بیشتری راه می رود اما با تمام این سختی ها هنوز وفادار است، مثل همیشه، به همه چیز وفادار است، از همسرش که همیشه در صدلی کناری اش در ورزشگاه می نشینند، تیم مورد علاقه اش، ورزشگاهی که اسمش برای اولین بار از جایگاه هایش است و خودش برای اولین بار اصطلاح تئاتر رویاها بر روی آن گذاشته است و البته رفقایش، همان دوستانی که هر وقت به موفقیت می رسید بخاطر نبودشان در مقابل چشمان همه بی اختیار اشک می ریخت، مانند قهرمانی جام جهانی ۱۹۶۶، قهرمانی اروپا در سال ۱۹۶۸ و البته در مراسم اهدای مدال لیگ قهرمانان اروپا در سال ۲۰۰۸ که این بار نه در ومبلی، بلکه در لوژینسکی موسکو، ۵۰ سال پس از آن حادثه تلخ، بازمه نتوانست جلوی بغض خود را بگیرد، فقط این بار فرقتش این بود که باران باعث استتار اشک هایش شد.

شاید بی ربط نباشد که بدانید در سال های ابتدایی شکل گیری لیگ قهرمانان، انگلیسی های لجبار و

یک دنده و پر مدعا که خود را صاحبان فوتبال معرفی می کردند و همیشه ساز ناکوک اروپا بوده اند، این

مسابقات را قبول نداشتند و از ورود تیم هایشان به این رویدادها جلوگیری می کردند که البته مدیران وقت

اتحادیه انگلیس به مانعی اسکاتلندی که از قضا یک دنده تر از آن ها بود برخورد کردند، سرمت بازی

سرمری افسانه ای یونایتد، برای اینکه اتحادیه بازی مقابل ولورهمپتون را به دلیل به موقع ترسیدن تیم

منچستریونایتد به مسابقه ۳-۰ اعلام نکند، مجبور به انتخاب پرواز چارتر شد و آن حادثه اتفاق افتاد و مدت

ها به همین خود را شرمنده می دانست.

۱۰ سال بعد همزمان با قهرمانی یونایتد به عنوان اولین تیم بریتانیایی تاریخ این مسابقات، مشخص

شد این سقوط حاصل یک خطای انسانی مبنی بر عدم برف رویی روی باند فرودگاه بوده و همین باعث

شده هوایما به سرعت لازم برای بلند شدن از زمین نرسد و پس از شکستن حصار در انتهای باند، به

ساختمانی برخورد کند و این فاجعه رقم بخورد.

